

رویکردی فقه‌الحدیثی بر زیارت جامعه کبیره با تأکید بر تبیین جایگاه اهل بیت^(ع)

اصغر طهماسبی بلداجی *

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۲)

چکیده

«زیارت جامعه کبیره» چکیده‌ای از مهم‌ترین متون در راستای امام‌شناسی می‌باشد که امام هادی^(ع) به رهپویان امامت و سالکان طریق ولایت آموخته است. این زیارت، مضامین عالی و معارف بلند دینی در راستای معرفت به وجود ائمه هدی^(ع) می‌باشد که مقام‌ها و فضائل والا برای ایشان بیان فرموده است. ائمه^(ع) قابلیت‌ها و کمالاتی دارند که خداوند به آن‌ها عنایت فرموده است، به گونه‌ای که این قابلیت‌ها آن بزرگواران را واسطه فیض الهی و دوام و بقاء آفرینش قرار داده است. جستار پیش رو با رویکردی فقه‌الحدیثی به بررسی محتوای زیارت جامعه کبیره پرداخته است و در این میان، دو جنبه این زیارت تحلیل و بررسی شده است. اول اینکه معارف این زیارت به لحاظ فقه‌الحدیثی در معنای نقد متن روایات، نه تنها معارض با قرآن و سنت قطعی نمی‌باشد، بلکه این دو منبع مهم دین آن را تأیید می‌نمایند، از جنبه دیگر فقه‌الحدیثی در معنای فهم مراد احادیث معصومین^(ع) با نگرشی قرآنی و روایی به بررسی محتوای زیارت جامعه کبیره می‌پردازد و در این باب، جایگاه اهل بیت^(ع) را در ابعاد مختلف تبیین می‌نماید. نتیجه آنکه بررسی جایگاه ائمه^(ع) با رویکرد قرآنی - روایی استحقاق امامان^(ع) به عنوان جانشینان برحق پیامبر اکرم^(ص) را اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: فقه‌الحدیث، امام هادی^(ع)، زیارت جامعه کبیره، امامت، اهل بیت^(ع).

مقدمه

زیارت جامعه کبیره یکی از مهم‌ترین و معتبرترین متون دینی برای معرفت به وجود ائمه هدی^(ع) می‌باشد که امام هادی^(ع) در این زیارت ائمه اطهار^(ع) را با جلوه‌های گوناگون معرفی می‌کند و جایگاه والای ایشان را نزد خداوند متعال و نظام هستی آشکار می‌سازد. این زیارت از لحاظ سند و متن متقن و معتبر است، به گونه‌ای که متن این زیارت به لحاظ فصاحت، بلاغت و معارف عالی، به‌خوبی اعتبار و اتقان آن را تبیین می‌کند که با این وصف، هر منصفی صدور این معارف بلند و مضامین عالی را از غیر معصوم، محال عادی می‌داند. عبارات بلند و شریف این زیارت برتر از کلام مخلوق و دون کلام خالق است. فرازهای این زیارت مضامین والا و عمیق دارد که در تفسیر این عبارات و فهم آن‌ها باید از کلام معصومین^(ع) بهره برد. امام محمدباقر^(ع) در این باب می‌فرماید: «حدیث ما دشوار و سخت است. کسی جز فرشته مقرب یا نبی مرسل یا بنده‌ای که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده باشد، بدان ایمان نمی‌آورد. پس هرچه از آن را که دل‌هایتان پذیرفت، بگیریید و هرچه را انکار کرد، به خود ما بازگردانید (ر.ک؛ صفار، ۱۴۲۵ ق: ۴۱). بنابراین، فهم صحیح زیارت جامعه کبیره (به عنوان روایت معتبر منقول از معصوم^(ع))، مرهون تدبر در آن و تفسیر صحیح آن با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر معصومین^(ع) است. مقاله حاضر از دو نظر به بررسی مضامین این زیارت شریف می‌پردازد. یکی از نظر تبیینی و دیگر تأییدی. تبیینی به لحاظ تفسیر عبارات این زیارت با استناد به آیات قرآن و روایت معصومین^(ع)، تأییدی است با بیان معارف قرآنی روایی به سبب تأیید تطابق این زیارت با قرآن کریم و روایات قطعی الصدور که تا حد ممکن به این دو سبب پرداخته می‌شود. درباره زیارت جامعه کبیره پژوهش‌های متعددی انجام شده‌است که برخی به لحاظ سندی و برخی به لحاظ متنی به بررسی این زیارت پرداخته‌اند، مقاله حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و با رویکردی فقه‌الحدیثی به بررسی این زیارت با تأکید بر تبیین مقام اهل بیت^(ع) می‌پردازد.

۱- بررسی سندی زیارت جامعه کبیره

برای تبیین اعتبار زیارت جامعه کبیره از دو نظر می‌توان این مهم را مورد بررسی قرار داد. اول از لحاظ اعتبار سند و دوم به لحاظ متن آن. در بررسی سندی، مهم‌ترین نکته، اعتبار سند این زیارت و اتصال آن به امام هادی^(ع) است. در بررسی متنی محتوای زیارت جامعه کبیره، به لحاظ نداشتن تباین آن با قرآن کریم و روایات قطعی الصدور بررسی می‌شود. مورد اول، مرتبط با نقد الحدیث، و مورد دوم، مربوط به فقه الحدیث است:

۱- در بررسی نقد الحدیث^۱، سند این زیارت از لحاظ اعتبار سلسله سند و روایان بررسی می‌شود. سند این زیارت از هر حیث محکم و مستند به امام هادی^(ع) است و دانشمندان این حوزه در اعتبار این زیارت تأکید کرده‌اند؛ از جمله علامه مجلسی در این زمینه می‌نویسد: اینکه درباره زیارت جامعه سخن اندکی به درازا کشید، اگرچه حق آن را نیز ادا نکردم، بدین سبب است که این زیارت، صحیح‌ترین آن‌ها از نظر سند و فراگیرترین آن‌ها نسبت به ائمه^(ع) است و در مقایسه با دیگر زیارت‌ها فصاحت، بلاغت و منزلت بیشتری دارد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۹: ۱۴۴). محمدتقی مجلسی در شرح کتاب *من لا یحضره الفقیه* می‌نویسد: «زیارات امیرالمؤمنین^(ع) و باقی ائمه^(ع) بسیار زیاد است و بهترین آن‌ها، زیارت جامعه است» (همان، ۱۳۵۳، ج ۵: ۴۲۴).

بسیاری از علما در اثبات مطالب خود به این زیارت اعتماد، و به آن استناد کرده‌اند؛ از جمله سید شرف‌الدین حسینی در کتاب *تأویل الآیات الظاهره* (ر.ک؛ نجفی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۷۸۸-۷۸۹)، ملا هادی سبزواری در کتاب *شرح الأسماء الحسنی* (ر.ک؛ سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۳) و آیت‌الله خویی در کتاب *الطهاره* (ر.ک؛ خویی، بی‌تا، ج ۱: ۳۲۳).

در مهم‌ترین کتب معتبر شیعه^۲ این زیارت ذکر شده است؛ از جمله شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* (ر.ک؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۷۶ق، ج ۲: ۳۷۰)، شیخ طوسی در کتاب *تهذیب الأحکام* (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۷۰). علاوه بر این، برخی از علمای عامه و محدثین اهل سنت نیز در کتاب‌های خود این زیارت را ذکر کرده‌اند؛ مانند محدث جوینی در

کتاب *فرائد السمطين* (ر.ک؛ حمویینی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۱۷۹). درباره توثیق راوی این زیارت، موسی بن عمران نخعی^۳، علما و دانشمندان او را ثقه دانسته‌اند؛ از جمله آیت‌الله خویی به سبب اینکه روایات نخعی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده، او را ثقه دانسته است (ر.ک؛ خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۶۶). علامه مامقانی نیز درباره ایشان می‌نویسد: «روایات او دلیلی آشکار بر این است که او امامی مذهب و صحیح‌الإعتقاد است و همین که امام هادی^(ع) چنین زیارت مفصلی را به او تلقین فرموده، شهادتی است بر اینکه این مرد از نیکان بود و روایات او مورد قبول ائمه^(ع) است» (مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۲۵۷). ابو عبدالله محمد بن اسماعیل برمکی مشهور به صاحب‌الصومعه هم که راوی این زیارت از نخعی است، از نظر نجاشی ثقه است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۱ق: ۳۴۱).

۲- در بررسی فقه‌الحدیثی^۴، تمام عبارات این زیارت مطابق با قرآن کریم و روایات قطعی‌الصدور از اهل بیت^(ع) می‌باشد که متن این زیارت والا، خود معرف اتقان سند آن است که بلاغت، فصاحت و معانی والای آن حاکی از استناد آن به امام معصوم^(ع) است. علامه سید عبدالله شبر پس از ذکر اهمیت والای این زیارت و اعتبار کامل سند آن، بر این باور است که فصاحت مضمون و بلاغت مشحون این زیارت همانند *نهج‌البلاغه* و *صحیفه سجّادیه* و اکثر دعاها و مناجات‌ها، ما را از بررسی سندش بی‌نیاز می‌کند (ر.ک؛ شبر، بی‌تا: ۲۹-۳۱). بنابراین، سند و متن زیارت جامعه کبیره، متقن است و اعتبار شایانی دارد، به گونه‌ای که جای هیچ شک و شبه‌های را پیرامون اتصال آن به امام هادی^(ع) باقی نمی‌گذارد.

۲- جایگاه و اهمیت امام و امامت در زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره از مهم‌ترین و کامل‌ترین زیارت‌هایی است که به معرفی مقام امام و امامت و جایگاه والای ائمه^(ع) می‌پردازد. نکته حائز اهمیت این است که معرفی و شناخت امامان معصوم^(ع) از طریق غیر معصوم ممکن نیست و ابتر می‌باشد. شاخصه مهم زیارت جامعه کبیره آن است که از زبان امام معصوم^(ع) به معرفی ائمه^(ع) پرداخته است^۵. بنابراین، این زیارت یکی از مهم‌ترین و متقن‌ترین منابع برای شناخت امامان^(ع) می‌باشد. در ادامه، با رویکردی

فقه الحدیثی در معنای فهم مراد احادیث، به بررسی مضامین این زیارت درباره اهل بیت^(ع) پرداخته می شود.

۲-۱) ائمه^(ع) جلوه گاه اسماء و صفات پروردگار

در زیارت جامعه کبیره، امامان معصوم^(ع) به عنوان آئینه اسماء و صفات پروردگار معرفی شده اند؛ به عبارت دیگر، ائمه^(ع) جلوه گاهی از جمال و جلال خداوند هستند. از جمله عبارت هایی که در این زمینه آمده است، عبارتند از:

۲-۱-۱) وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى

سخنی که از باب شباهت به سخن دیگر بیان می شود، تا یکی از آن دو دیگری را تبیین کند. به معنای مثل و همتا نیز می باشد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۰۹-۷۱۰). «أعلى» به معنای شریف تر است (ر.ک؛ همان: ۵۳۵). خداوند ائمه معصوم^(ع) را از نظر داشتن تمام مراتب فضائل، کمالات نفسانیه و صفات عالیه از دیگران ممتاز کرده، آن بزرگواران را مثال و نمونه ای برای جهان بشریت قرار داده است. ائمه^(ع) نمونه ای از مظاهر صفات عالیه خداوند هستند (ر.ک؛ زمردیان، ۱۳۶۶: ۱۵۶-۱۵۷).

آیه ﴿الَّذِينَ تَرَى كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم/۲۴)، مؤید همین مطلب است. امام صادق^(ع) درباره این آیه می فرماید: «رسول خدا^(ص)، اصل شجره طیبه، امیرالمؤمنین^(ع)، فرع آن، امامان از ذریه او شاخه های آن، علم امامان میوه آن و شیعیان ایشان برگ های آن است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۶۴). آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (الروم/۲۷) نیز در همین باب است که از امام حسین^(ع) روایت شده که فرمودند: «رسول خدا^(ص) در میان ما به خطبه ای ایستاد و در آخر فرمود: ماییم کلمه تقوی و سیل هدی و مثل اعلی و حجت عظمی و عروة الوثقی» (زمردیان، ۱۳۶۶: ۱۵۸). مثل اعلی شدن ائمه^(ع) از این

حیث می‌باشد که آن‌ها مطیع مطلق خداوند تبارک و تعالی بوده‌اند. در این باب، پیامبر اکرم^(ص) حدیث قدسی با این مضمون نقل می‌فرماید که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «ای بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را نمونه خود قرار دهم» (حائری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۳).

۲-۱-۲) وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى

این جمله از زیارت نیز با آیه ۱۸۰ سوره اعراف ارتباط دقیقی دارد که می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (الأعراف/۱۸۰). امام صادق^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «به خدا قسم! ما میم آن اسمای حسنی که قبول نکند خداوند از بندگان خود هیچ عملی را مگر به معرفت و شناخت ما. پس باید به وسیله ما طالب قرب در گاه بود» (همان: ۱۶۰). ائمه معصوم^(ع) چنان در دعوت مردم به خدا حریص بودند و در این راه استقامت و پایداری کردند و اموال و جان‌های خود و نزدیکانشان را در راه خداوند و دین خدا تقدیم نمودند که گویا دعوت‌کننده نیستند، بلکه عین دعوت‌گریده و دعوت‌نیکو شده‌اند؛ زیرا ایشان بهترین افرادی هستند که مردم را با رفتار، کردار و گفتار خود به دین خداوند دعوت می‌کنند (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۵: ۷۰).

۲-۱-۳) خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ

خلفاء، جمع خلیفه است. راغب در مفردات درباره واژه خلافت می‌نویسد: «نیابت از دیگری است که این نیابت یا به سبب غیبت، یا مرگ، یا ناتوانی او از ادامه عمل و یا به دلیل احترام و شرافت جانشین می‌باشد و بنا بر معنای اخیر (شرافت)، خداوند اولیای خود را در زمین جانشین قرار داده‌است» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۵۱). خداوند در آیاتی از قرآن انسان را به عنوان «خلیفه» روی زمین معرفی کرده‌است؛ از جمله می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (البقره/۳۰) و ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً﴾ (ص/۲۶). خداوند در آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۵۵﴾ (النور/۵۵)، مؤمنان و صالحان را خلیفه در زمین قرار می‌دهد. مراد از خلیفه، پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) می‌باشند (ر.ک؛ بحرانی، ۱۹۸۳ م، ج ۳: ۱۴۶-۱۵۰). امام رضا (ع) می‌فرماید: «ائمه (ع) خلفای خدای عزوجل در زمین هستند» (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۲۷۵). اینکه خداوند خشنودی خود را در خلافت ائمه هدی (ع) در زمین اعلام نموده، از آن روست که خلیفه خدا روی زمین باید متخلق به اخلاق خداوند باشد و آنچه خدا اراده می‌کند، او اراده کند و مجری احکام الهی باشد. همچنان که این روش تمام انبیاء (ع) بوده است و این شایستگی در زمین تنها به عهده انبیاء و اولیاء می‌باشد که این مقام را خود به آنان افاضه فرموده است (ر.ک؛ زمردیان، ۱۳۶۶: ۲۴۱). بنابراین، امامان معصوم (ع) به عنوان خلفای خداوند در زمین می‌باشند که با ظهور امام زمان (عج) این خلافت الهی به عینه در تمام جهان حکم فرما می‌شود.

۲-۲) ائمه (ع)، قرآن ناطق

بی‌شک اهل بیت (ع) تنها افراد برای معرفی قرآن کریم هستند؛ زیرا خود با قرآن آمیخته شده‌اند و در حکم قرآن ناطق هستند. در رأس اهل بیت (ع)، پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که قرآن بر قلب مبارک ایشان نازل شده است و بعد از ایشان، امیرالمؤمنین (ع) است که همانند پیامبر اکرم (ص) سخن وحی را می‌شنید. ایشان در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرمایند: «من صدای شیطان را هنگام نزول وحی می‌شنیدم و به رسول خدا (ص) گفتم این صدای چیست؟ فرمود: این فریاد ناامیدی شیطان از عبادت خویش است». آنگاه فرمود: «آنچه را من از فرشته وحی دریافت می‌کنم، تو هم می‌شنوی و آنچه را که من می‌بینیم، تو نیز با چشمان حقیقت بین خود می‌بینی، اما تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من می‌باشی و جداً در تو خیر و احسان می‌جوشد» (نهج البلاغه / خ ۱۹۲). بنابراین، امیرالمؤمنین (ع) مصداق بارز قرآن ناطق است و می‌تواند قرآن را آن گونه که هست، معرفی و تفسیر نماید و پس از ایشان، امامان بعدی همین منصب را بر عهده دارند. آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل/۴۴) ناظر بر تبیین و تفسیر قرآن کریم از سوی پیامبر اکرم (ص) و پس از ایشان ائمه هدی (ع) است. با مراجعه به

کلمات امیرالمؤمنین^(ع) معلوم می‌شود بهتر از اهل بیت عصمت^(ع) که امیرالمؤمنین^(ع) از جمله آنان است، کسی نیست که قرآن را از بیرون معرفی نماید؛ زیرا در تبیین محتوای قرآن کریم، هیچ کس و هیچ چیز بهتر از آنان نخواهد بود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). امیرالمؤمنین^(ع) بعد از پیامبر اکرم^(ص) کامل‌ترین و سزاوارترین فرد برای معرفی قرآن کریم است و این امر را از دو نظر می‌توان اثبات کرد: یکی از آن رو که امام علی^(ع) جزء اهل بیت^(ع) است و هرچه درباره استحقاق آن ذوات مقدس برای تحلیل قرآن و معارف آن رسیده باشد، شامل حضرت علی^(ع) خواهد شد و دیگر از نظر نصوص ویژه‌ای که درباره صلاحیت علمی و عملی شخص آن حضرت رسیده است. درباره اهل بیت^(ع)، گذشته از حدیث ثقلین (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۵۳، ج ۲۳: ۱۰۶؛ ابن حنبل، ۱۴۱۷ق.، ج ۳: ۱۴؛ ترمذی، بی‌تا، ج ۵: ۶۲۲ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق.، ج ۳: ۱۱۰-۱۰۹) که اهل بیت و قرآن کریم هم‌سنگ هم بوده، تاقیامت دو امر ناگسستنی از هم هستند و فریقین به سند و متن آن اذعان دارند. سخنان امام علی^(ع) درباره عظمت اهل بیت است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- خاندان معصوم رسول اکرم^(ص) حامل اسرار خدا و صندوق دانش او و قرارگاه کتاب‌های آسمانی خدا و سلسله جبال دین اویند (ر.ک؛ نهج البلاغه / خ ۲). ۲- هیچ کس از امت اسلامی به جایگاه اهل بیت^(ع) نمی‌رسد و با آن‌ها سنجیده نمی‌شود و آنان پایه دین و ستون یقین‌اند (ر.ک؛ همان / خ ۱۴۱). ۳- هدایت به واسطه اهل بیت^(ع) عطا می‌شود و کوری باطنی انسان‌ها جلا می‌یابد (همان / خ ۱۴۱). ۴- حقیقت قرآن کریم و آیات کریمه او درباره آنان بوده، رموز آن در آن‌ها مستقر است. چیزی آن‌ها را به سکوت محکوم نکرده است و مقهور هیچ مقام خارجی نبوده‌اند، بلکه خودشان صاحبان سخن و امیران کلام‌اند. سخن گفتن، اسیر آنان و در اختیارشان می‌باشد. هر وقت مصلحت باشد، سخن می‌گویند و هر زمان که مصلحت نباشد، ساکت خواهند بود (ر.ک؛ همان / خ ۱۵۴ و ۲۳۹). بنابراین، ائمه^(ع) قرآن ناطق و تالی قرآن هستند. امیرالمؤمنین علی^(ع) در جریان حکمیت فرمود: «این، کتاب خاموش خداست و من سخنگوی اویم. پس به کتاب گویای خدا دست بیاویزید و حکم کردن بر اساس کتاب خاموش خدا را وانهد؛ چراکه جز من سخنگویی برای آن نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۷: ۳۴). در زیارت جامعه کبیره، تعابیری وجود دارد که

اهل بیت^(ع) را مفسران واقعی قرآن قلمداد می‌کند و بالاتر از آن، آن‌ها را کسانی می‌داند که محل و فرودگاه وحی هستند؛ موارد زیر از آن جمله است.

۱-۲-۲) مَهْبِطُ الْوَحْيِ

راغب اصفهانی درباره‌ی واژه «وحی» می‌نویسد: «اصل وحی، اشاره سریع است و این اشاره سریع به صورت‌های گوناگونی نظیر سخن گفتن به صورت رمز و تعریض، صدای بدون ترکیب با اعضا و جوارح و نیز نوشتن تحقق می‌یابد» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۱۵). ابن فارس وحی را به معنای اشاره نوشتار و نامه و هر چیزی می‌داند که به هر نحوی بر دیگری القا می‌شود تا بدان آگاه گردد (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۶۲۴). «مهبط الوحی» برای ائمه هدی^(ع) به دو معناست:

۱- آن‌ها درون و صاحب خانه‌هایی بودند که جبرئیل و ملائکه در آن خانه‌ها بر پیامبر^(ص) نازل می‌گشت و اخبار و آیات را بر ایشان بازگو می‌نمود. امام صادق^(ع) در این باب می‌فرماید: «ما اهل بیت و ذریه پیامبر اکرم^(ص) هستیم که وحی خداوند در خانه‌های ما فرود آمده است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۹۸).

۲- وحی به معنای «الهام» است و ائمه هدی^(ع) چنان مقام و منزلتی دارند که ملائکه بر وجود مبارک ایشان نازل می‌شوند و علاوه بر تبیین احکام شرعی، مسائل غیبی را برای آنان بازگو می‌نمایند و مطالب سنگین بر آن‌ها الهام می‌گردد (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۵: ۳۷). مفضل بن عمر در این باب می‌گوید: «به امام کاظم^(ع) عرض کردم: به ما گفته‌اند که امام صادق^(ع) فرموده است: علم ما یا به گذشته است، یا نوشته شده، یا به الهام به دل، و یا نجوی در گوش است. امام کاظم^(ع) (در تبیین این جمله) فرمود: و اما به گذشته همان علم آشکار شده ماست و نوشته شده آن است که می‌آید و آنچه به دل می‌نشیند، الهام است و نجوی در گوش دستور و امر فرشتگان است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۶۴). ائمه^(ع) محدث بودند و معنای محدث بودن این است که فرشته‌ای نزد امام می‌آید و به دلش چنین و چنان الهام می‌کند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۳۲۷). امام باقر^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «محدث کسی است که سخن

فرشتگان را می‌شنود و در گوشش نجوا و به دلش الهام می‌کنند» (صفار، ۱۴۲۵ ق.: ۳۸۸). بنابراین، هر دو مورد با مقام اهل بیت^(ع) منطبق بوده‌است؛ زیرا خانه‌های آنان محل نزول وحی (قرآن) است و مقام عصمت و امامت آنان این اقتضاء را می‌کند که فرشتگان بر آنان نازل شوند.

۲-۲-۲) تَرَاجِمَةُ لَوْحِيهِ

هر کسی نمی‌تواند وحی الهی را تبیین و تفسیر کند. خداوند اهل بیت^(ع) را برگزید تا آنچه بر انبیای پیشین وحی شده بود و نیز قرآن و احادیث قدسی را تفسیر نمایند و ظرافت‌های آن‌ها را آشکار نمایند؛ زیرا تنها امام^(ع) است که از تمام مراتب وحی الهی آگاهی دارد و سایر مردم نمی‌توانند آن را دریابند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۳۵۶-۳۵۷). بنابراین، قرآن‌شناسان واقعی و کسانی که به تمام مفاهیم کتاب الهی آگاهی داشته باشند، اهل بیت^(ع) هستند؛ چنانکه امام باقر^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «نحنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ: ما ترجمان وحی خداییم» (کلینی، ۱۳۸۸ ق.: ج ۱: ۱۹۲). امام کاظم^(ع) نیز فرمودند: «ما کلید قرآن هستیم، علما و دانشمندان در پرتو ما سخن می‌گویند و اگر این نبود، همگی لال می‌شدند» (مفید، ۱۴۱۳ ق.: ۹۰). قرآن ظاهر و باطن، محکم و متشابه دارد و تنزیل و تأویل و... در آن است که علم مطلق به این موارد فقط در اختیار معصومین^(ع) است. آنان هستند که تفسیر حقیقی قرآن را بیان می‌کنند. امام باقر^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «ما گنجداران علم خداوند هستیم و ما ترجمان و بیان‌کنندگان وحی خداوندیم و ما دلایل و حجت‌های رشدیافته خداوند بر اهل آسمان و زمین هستیم» (کلینی، ۱۳۸۸ ق.: ج ۱: ۱۹۲). در همین باب می‌فرماید: «هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن، اعم از ظاهر و باطن آن را می‌داند، مگر اوصیاء (ر.ک؛ همان: ۲۲۸). علت این امر، اشتراک اهل بیت^(ع) و قرآن با هم می‌باشد و جدا نبودن آن‌ها از یکدیگر که این نداشتن افتراق قرآن و اهل بیت^(ع) و ملازمت آن‌ها در حدیث متواتر^۷ ثقلین^۸ بیان شده‌است. پیامبر اکرم^(ص) در این باب می‌فرماید: «همانا من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم که اگر به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم. به راستی آن دو هرگز از هم جدا

نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند» (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۵۳، ج ۲۳: ۱۰۶؛ ابن حنبل، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۴؛ ترمذی، بی تا، ج ۵: ۶۲۲ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۰۹-۱۱۰). امام علی^(ع) درباره ملازمت قرآن و اهل بیت^(ع) می فرماید: «خداوند تبارک و تعالی ما را پاکیزه نمود و به ما عصمت عنایت کرد و ما را گواهان و شاهدان بر خلقش ساخت و در زمینش حجت نهاد و ما را همراه قرآن و قرآن را همراه ما قرار داد. نه ما از آن جدا می شویم و نه او از ما جدا خواهد شد» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۱۹۱). پیامبر اکرم^(ص) درباره اهل بیت^(ع) می فرماید: «آنان با قرآن هستند و قرآن با آنان است. آنان از قرآن فاصله نمی گیرند و قرآن از آنان جدا نمی شود تا بر من سر حوض وارد شوند» (حموی، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۳۱۴). همه این موارد نشانگر آن است که قرآن و اهل بیت^(ع) با هم و جدایی ناپذیرند و اهل بیت^(ع) ناطق قرآن و مفسران حقیقی قرآن هستند. کوتاه سخن اینکه مفسران حقیقی قرآن که علم مطلق به معارف قرآن کریم را دارند، اهل بیت^(ع) هستند و تفسیر و تأویل قرآن به طور کامل نزد این راسخان در علم می باشد.

۲-۲-۳ حَمَلَةُ كِتَابِ اللَّهِ

اینکه منظور از کتاب خدا چیست؟ امام صادق^(ع) می فرماید: «هر کتابی که از جانب خدا فرستاده شد، نزد اهل علم هست و ایشان ما میم» (همان: ۲۲۶). از جمله آن کتاب ها، صحف ابراهیم، زبور داوود^(ع)، تورات موسی^(ع)، انجیل عیسی^(ع) و قرآن است. منظور از حمل کتاب خدا، علم به حقایق آن است که جز پیامبران^(ع)، ائمه معصوم^(ع) هیچ کس به آن واقف نیست. به همین سبب، در این فراز آن ها را کسانی معرفی می کند که به بطن و حقایق قرآن آگاهی دادند. بر همین اساس، امام صادق^(ع) در تفسیر آیه ﴿وَمَا يَتْلُمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۷) می فرماید: «ما میم راسخان در علم و ما به تأویل آن آگاهی» (همان: ۲۱۳).

۳-۲ فضائل علمی و معنوی اهل بیت^(ع)

اهل بیت^(ع) فضائل والایی دارند که در همه ابعاد، آن بزرگوران را الگوی همه‌جانبه نموده است. در ادامه، به برخی از فضائل علمی و معنوی اهل بیت^(ع) در زیارت جامعه کبیره اشاره می‌شود.

۱-۳-۲ خُزَّانَ الْعِلْمِ

«خُزَّانَ» جمع «خازن» به معنای نگهبان، خزانه‌دار و کلیددار می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۳: ۱۳۹). اهل بیت^(ع) خزانه‌دار دانش الهی هستند؛ چنانکه خداوند متعال در حدیث قدسی به پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «ایشان (اهل بیت) پس از تو، خزانه‌دار دانش من هستند» (کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۱: ۱۹۳). امام باقر^(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند! ما خزانه‌داران خدا در آسمان و زمین هستیم، نه بر زر و سیم، بلکه خزانه‌داران دانش او هستیم» (همان). طبق کلام معصومین^(ع)، دانش خداوند بر دو قسم است: ۱- دانش خاص که هیچ کس جز خدا از آن آگاهی ندارد. ۲- دانش عام که فرشتگان، پیامبران^(ع) و امامان معصوم^(ع) از آن آگاهی دارند (ر.ک؛ صدوق، بی تا: ۱۳۸). منظور از دانش اهل بیت^(ع)، علم به تأویل قرآن، دانش کتاب، اسم اعظم خدا، آشنایی با همه زبان‌ها، آشنایی با زبان جانوران، علم «ماکان و مایکون»، آگاهی از مرگ و میرها و بلاها، آگاهی از هر آنچه در آسمان و زمین است و آگاهی از آنچه خداوند در شب و روز پدید می‌آورد (ری شهری، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۷). امام سجاد^(ع) می‌فرماید: «دانش آگاهی از مرگ و میرها و بلاها، نسب‌های عرب و زادگاه اسلام نزد ماست» (صفار، ۱۴۲۵ق.، ۲۶۶). پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «بال پرنده‌ای در آسمان به هم نمی‌خورد، مگر اینکه ما از آن آگاهیم» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق.، الف، ج ۲: ۳۲). امام علی^(ع) نیز می‌فرماید: «ما همچون سلیمان بن داوود^(ع) با زبان پرندگان و هر جانور خشکی یا دریایی آشنایی داریم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۴). کوتاه سخن اینکه دانش الهی که به اهل بیت^(ع) موهبت شد، فراتر از آن است که درک و فهم شود و این مهم، نشان از عظمت اهل بیت^(ع) دارد که تمام این موارد به اذن خداوند است.

۲-۳-۲) مُتَّهَى الْحِلْمِ

از دیگر صفات موهبتی خداوند به اهل بیت^(ع)، بالاترین مراتب بردباری است. منتهی به معنای بالاترین درجه و حلم به معنای بردباری و عقل می‌باشد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ۳۴۴ و همان، ج ۱۲: ۱۴۶). ائمه هدی^(ع) در نهایت بردباری بودند و هرگز برای موارد شخصی (دنیا و شهوت) خشمگین نمی‌شدند. با کمی دقت در تاریخ زندگی آن پشویان بزرگ، متوجه می‌شویم که چگونه آنان در برابر شداید و ناراحتی‌ها تحمل می‌کردند و چگونه در امر هدایت و ارشاد مردم، صبر و بردباری می‌نمودند. پیامبر اکرم^(ص) در تبلیغ خود، اذیت و آزار بسیاری تحمل کرد؛ مثلاً روزی عده‌ای نادان پیشانی مبارک ایشان را با سنگ مجروح کردند. پیامبر اکرم^(ص) خون را از چهره پاک کرد و فرمود: خدایا! قوم مرا هدایت کن؛ زیرا نمی‌فهمند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۵: ۱۷۷). داستان زندگانی امیرالمؤمنین^(ع) بعد از پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) دیگر که با صبر و حلم خود، در مقابل تمام حوادث تلخ و ناگوار استقامت ورزیدند، همه حاکی از این موهبت الهی است که به آن‌ها عنایت شده بود. ناگفته نماند که آن بزرگواران برای همه ما الگو و سرمشق هستند و بر همه ماست که در حد خود، حلم و بردباری را در زندگی داشته باشیم؛ چنانکه امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «اگر بردبار نیستی، خویشتن را بردبار نشان بده؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند، اما به زودی یکی از آنان نشود (نهج البلاغه / ج ۲۰۷).

۲-۳-۳) أَصُولَ الْكِرَمِ

اصول جمع «اصل» به معنای ریشه و بن، شالوده و اساس هر چیزی را می‌گویند که اگر پایه با حالت ارتفاع زیاد توهم و تصور شود دیگر فکر و خیال نمی‌تواند حد آن را مشخص کند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۷). اصل و اساس بزرگواری، موهبتی است که خداوند به ائمه هدی^(ع) عنایت فرموده است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «ما ریشه همه خوبی‌ها هستیم و هر نیکی از شاخه‌های ماست؛ از جمله نیکی‌ها: توحید، نماز، روزه، فرو خوردن خشم، گذشت از کسی که بدی کرده است، ترحم به فقیر، رسیدگی به همسایه و اعتراف به فضیلت اهل فضل

است» (کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۸: ۲۴۲). شخصی از امام حسن^(ع) سؤال کرد: کرم چیست؟ امام فرمودند: «دادن شیء به نیازمند قبل از خواهش و اطعام در قحط‌سالی» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸: ۱۰۳). پایه و اساس کرم، اهل بیت^(ع) می‌باشند؛ زیرا آن‌ها خلفای خداوند روی زمین و اسوه‌ای برای تمام بشریت هستند و این اسوه بودن آنان به طور مطلق در تمام زمینه‌هاست، نه به طور نسبی، و رأس این اسوه، پیامبر اکرم^(ص) می‌باشد. خداوند در آیه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (الأحزاب/۲۱)، پیامبر اکرم^(ص) را مطلقاً به عنوان اسوه برای همگان معرفی می‌کند و این اسوه بودن ایشان به سبب آن است که تمام و اصل خوبی‌ها در وجود ایشان متجلی است. این اسوه بودن، پس از وجود مبارک پیامبر اکرم^(ص) در باب جان‌نشان بر حق ایشان که ائمه هدی^(ع) می‌باشند نیز صدق می‌کند؛ چراکه عصمت را که شاخصه اصلی اسوه بودن است، به صورت مطلق دارا می‌باشند. آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ به این مهم دلالت می‌کند (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۵۰).

۲-۳-۴) وَعَنْصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ

عناصر جمع عنصر به معنی ریشه، نژاد و بن است (ر.ک؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۲ق.، ج ۴: ۶۱۱). دعائم جمع دعامه به معنی ستون و پایه می‌باشد (ر.ک؛ همان، ج ۱۲: ۲۰۱). در این دو عبارت، امامان^(ع) اصل، بنیاد، پایه و اساس تمام نیکوکاران و تکیه‌گاه نیکی‌ها و نیکان معرفی شده‌اند. ائمه اطهار^(ع) ریشه‌ها و بن‌ها و نژادهای تمام نیکوکاران هستند. هدایت به نیکی و عمل به خیر از سوی ائمه^(ع) صورت می‌گیرد و وجود آنان منشاء خیر و نیکی است (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۵: ۵۰). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «ما ریشه همه خوبی‌ها هستیم و همه نیکی‌ها از شاخه‌های ما هستند» (کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۸: ۲۴۲). از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده که هر که خداوند را با شناخت اهل بیت من و ولایت ایشان بر او منت گذاشته باشد، بی‌گمان خداوند همه خیر را برای او گرد آورده‌است (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۴ق.، ب: ۵۶۱). محمدبن مسلم می‌گوید: «شنیدم که امام باقر^(ع) فرمودند: هر که دینداری خدای عزوجل کند و به زحمت فراوان عبادت انجام

دهد، ولی امام و پیشوایی نداشته باشد که خدا معین کرده، زحمتش ناپذیرفته و خود او گمراه و سرگردان است و خداوند اعمال او را مبعوض و دشمن دارد» (کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۱: ۱۸۳).

۲-۴) جایگاه ائمه هدی^(ع) در نظام آفرینش

امامان معصوم^(ع) جایگاهی بسیار والا در نظام آفرینش دارند، به گونه‌ای که بقای نظام هستی و هدف آفرینش موجودات، وابسته به وجود آن بزرگواران است. این مهم از احادیث معصومین^(ع) به طور کامل روشن می‌گردد (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۲۲؛ کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۱: ۱۷۹؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۳: ۲۹ و حموی، ۱۴۲۸ق.، ج ۱: ۴۶-۴۵) و به صورت کامل‌تر در زیارت جامعه کبیره نمود پیدا می‌کند.

۲-۴-۱) شُهَدَاءَ عَلٰی خَلْقِهِ

پیامبر اکرم^(ص) در آیه ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (النساء/۴۱) به عنوان شاهد بر اعمال تمام انسان‌ها معرفی می‌شود و این مهم از عظمت والای ایشان است. در همین باب، امام علی^(ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم^(ص) شاهد و گواه بر ماست و ما گواهان خداوند بر مردم هستیم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۸۳). امام صادق^(ع) در تفسیر آیه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (البقره/۱۴۳) می‌فرماید: «ماییم آن امت میانه و ماییم گواهان خدا بر آفریدگانش و حجت‌های او بر زمینش» (کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۱: ۱۹۰). امام علی^(ع) می‌فرماید: «همان خداوند تبارک و تعالی ما را پاک گرداند و معصوم داشت و ما را بر آفریدگانش گواه گرفت» (همان: ۱۹۱).

۲-۴-۲) مَنَارًا فِی بِلَادِهِ

«منار» جمع «مناره» از ریشه نور است و به جایی گفته می‌شود که چراغ را بر آن می‌گذارند (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق.، ج ۳: ۱۸۵۱). در تفسیر جمله «مَنَارًا فِی بِلَادِهِ»، پیامبر اکرم^(ص)

خطاب به امام علی^(ع) می‌فرماید: «یا علی أنت أصل الدِّین و منارُ الإیمان: ای علی! تو اساس دین و مشعل ایمانی» (صفار، ۱۴۲۵ ق: ۳۱). در جای دیگر می‌فرماید: «خاندان من مشعل هدایت و راه نمایان به سوی خدا هستند» (طبرسی، ۱۴۲۱ ق: ۱، ج: ۲۹۸).

۲-۴-۳) اَرْكَانُ الْبِلَادِ

رکن الشَّیء قسمتی از یک چیز است که مایه اعتماد و تکیه گاه بوده، برای نیرو و توان استعاره گرفته می‌شود. ارکان‌العبادات پایه‌ها و اجزای نماز که قوام نماز به آن است و عبادت با ترک آن‌ها باطل است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۲۲). امامان معصوم^(ع) واسطه حفظ نظام آفرینش هستند. پیامبر اکرم^(ص) درباره امیرالمؤمنین^(ع) و امامان از ذریه او می‌فرماید: «خداوند به واسطه آنان آسمان را نگاه می‌دارد از اینکه بر زمین واقع شود، مگر به اذن او و به واسطه آنان کوه‌ها را حفظ می‌کند تا زمین آرامش یابد، به واسطه آنان برای آفریده‌های خود باران نازل می‌کند و به واسطه آنان گیاهان را می‌رویانند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۲۴). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «اگر زمین بدون امام باقی بماند، فرومی‌رود» (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ۱، ج: ۱۷۹). امام رضا^(ع) نیز می‌فرماید: «اگر به اندازه یک چشم برهم‌زدن زمین از حجت خدا خالی شود، زمین اهلس را در خود فرومی‌برد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج: ۲۳: ۲۹). امامان معصوم^(ع) واسطه امنیت اهل زمین هستند. وجود آن‌ها مانع از عذاب الهی و از بین رفتن آسمان و زمین است. بر همین اساس، امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «ما خاندانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه می‌دارد از اینکه جز به اذن او بر زمین واقع شود. به واسطه ما زمین را از اینکه ساکنانش را نابود سازد، حفظ می‌کند. به واسطه ما باران نازل می‌کند و رحمت خود را منتشر می‌نماید و برکات زمین را بیرون می‌کند. اگر کسی از ما در زمین نباشد، زمین اهلس را فروخواهد خورد» (حموینی، ۱۴۲۸ ق: ۱، ج: ۴۵-۴۶). در دعای عدیله، در وصف امام زمان^(عج) چنین می‌خوانیم: «کسی که بقای دنیا به سبب اوست و به یمن وجودش خلائق روزی داده می‌شوند و زمین و آسمان به واسطه وجود او ثابت و پابرجاست» (قمی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). امام زمان^(عج) در این باب

می فرماید: «من مایه آرامش و امنیت زمینیان هستم، همان گونه که ستارگان آسمان باعث امنیت آسمانیان هستند» (طوسی، ۱۴۱۷ ق.: ۱۷۷).

۲-۴-۴) بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

برکات آسمانی به واسطه وجود امام معصوم^(ع) بر زمینیان نازل می شود. امام رضا^(ع) می فرماید: «و بنا ينزل الغيث و ينشر الرحمة: خداوند به وسیله ما باران را نازل می کند و رحمتش را می گسترد» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۵ ق.، الف، ج ۱: ۲۰۱-۲۰۳). امام باقر^(ع) نیز می فرماید: «به برکت وجود ما خداوند رحمت خویش را بر مردم فرومی فرستد و به احترام ما آنان را از باران رحمت خویش سیراب می کند» (صفار، ۱۴۲۵ ق.: ۶۳).

۲-۵) جایگاه ائمه^(ع) در احیاء و حفظ دین

هر یک از امامان معصوم^(ع) در دوران زندگی خود نقش والا و مؤثری در حفظ دین داشته اند. بی شک اگر این امامان نور^(ع) نبودند، از اسلام جز نام آن باقی نمی ماند. بقای اصول و فروع دین و بسط و نشر آن با امامان^(ع) بوده و هست. امامان معصوم^(ع) جانشینان پیامبر اکرم^(ص) بوده اند و نقش تبلیغ و حفظ دین بر عهده آنان بوده است. امام رضا^(ع) در این زمینه می فرماید: «امام از گناهان، پاک و از عیبها به دور است، به دانش مخصوص و به خویشتنداری نشانه دار است، موجب نظام دین و عزت مسلمانان و خشم منافقان و هلاک کافران است. همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین است. امام امین خداوند در میان خلقتش و حجت او بر بندگانش است و خلیفه او در بلادش و دعوت کننده به سوی او و دفاع کننده از حقوق اوست (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۸ ق.، ج ۱: ۲۰۰). امام هادی^(ع) نیز در مقام امامت، به نقش و جایگاه امامان^(ع) در اصول و فروع دین و مسئولیت آنها در حفظ دین و احیاء آن در زیارت جامعه کبیره می پردازد؛ از جمله:

۲-۵-۱) اُرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ

رکن الشیء قسمتی از یک چیز که مایه اعتماد و تکیه‌گاه است و برای نیرو و توان استعاره گرفته می‌شود. ارکان‌العبادات پایه‌ها و اجزای نماز که قوام نماز به آن است و عبادت با ترک آن‌ها باطل است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۲۲). در روایات متعددی، امامان^(ع) به عنوان ارکان توحید معرفی شده‌اند. امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «نحن اُرْكَانُ تَوْحِيدِهِ: ما رکن‌های یکتا دانستن اویم» (ابن بابویه قمی، ۱۳۳۸ ق.: ۳۵). پیامبر اکرم^(ص) جانشینان پس از خود، امامان معصوم^(ع) را اینگونه توصیف می‌کند: «فإنهم معادنُ کلماتک و خزّان علمک و اُرْكَانُ تَوْحِيدِکَ: همانا ایشان معدن‌های کلمات تو و خزانه‌داران دانش تو و ارکان یکتا دانستن تو هستند» (همان، ۱۴۰۵ ق.: ۲۰۶). درباره اینک اهل بیت^(ع) چگونه رکن توحید هستند، دو دیدگاه وجود دارد: ۱- منظور از رکن توحید بودن اهل بیت^(ع) به این معناست که خداوند اعتقاد به توحید و یگانگی خود را از هیچ کسی نمی‌پذیرد، مگر آنکه همراه با اعتقاد به ولایت و امامت ائمه معصومین^(ع) باشد؛ به عبارت دیگر، شرط قبول توحید، اعتقاد به ولایت و امامت است. با این تفسیر، ولایت ائمه^(ع) همچون پایه‌هایی است که خانه توحید و اعتقاد به توحید را نگه داشته‌است و بدون آن، پایه‌های اعتقاد به توحید فرومی‌ریزد (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۵: ۱۶۴). معروف‌ترین و معتبرترین حدیثی که در تأیید این دیدگاه وجود دارد، حدیث سلسله‌الذهب^۹ است که شرط ورود به قلعه توحید، اعتقاد به امامت و ولایت^(ع) بیان شده‌است (ر.ک؛ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ ق. الف، ج ۱: ۱۴۵). ۲- منظور از اینکه ائمه^(ع) پایه‌های توحید هستند، آن است که اگر آنان نبودند، یگانگی خداوند و یکتاپرستی او برای مردم بیان و روشن نمی‌گشت و مردم آن‌گونه که باید، خداوند را نمی‌شناختند (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵). امام باقر^(ع) می‌فرماید: «به وسیله ما خداوند پرستش شد و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وسیله ما خداوند تبارک و تعالی را به یگانگی شناختند» (کلینی، ۱۳۸۸ ق. ج ۱: ۱۴۵). بنا بر آنچه بیان شد، هر دو دیدگاه درباره ارکان توحید بودن ائمه^(ع) صدق می‌کند و اعتقاد به امامت و ولایت آنان، شرط قبولی توحید است و توحید واقعی به وسیله آنان شناخته می‌شود و مردم می‌توانند آن‌گونه که باید، خداوند را بندگی کنند.

۲-۵-۲) أَبْوَابَ الْإِيمَانِ

امامان^(ع) دروازه‌های ایمان هستند و شرط ورود به ایمان حقیقی، از راه اهل بیت^(ع) میسور است و با اعتقاد به ولایت آنان و پیروی از فرمان‌های ایشان می‌توان به حقیقت ایمان رسید. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «اوصیای پیامبر اکرم^(ص) درهای شناخت خدا هستند که از آن وارد می‌شوند و اگر آن‌ها نبودند، خداوند شناخته نمی‌شد» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۱۹۳). پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «نحن باب الله الذي يؤتى منه و بنا يهتدى المهتدون: ما دروازه خداوندیم که از آن وارد می‌شوند و در پرتو وجود ما، هدایت جویان ره می‌یابند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۵: ۲).

۲-۵-۳) أَنْصَاراً لِدِينِهِ

«نصر» به معنای «یاری» می‌باشد و یاری بنده به خداوند عبارت است از کمک نمودن بنده به هم‌نوعان خویش، اهتمام به حفظ حدود، رعایت پیمان خداوند، گردن نهادن به احکام و اجتناب از نواهی پروردگار عالمیان است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۶۰). امامان معصوم^(ع) به عنوان یاری‌کنندگان حقیقی دین هستند و کسانی که حفظ و پابرجایی دین به وسیله آنان است. آیه ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنفال/۶۲) در شأن امام علی^(ع) نازل شده که یاری‌کننده دین خداوند بود (ر.ک؛ قندوزی حنفی، ۱۳۸۵ق: ۹۴) و این یاری کردن دین خداوند درباره تمام امامان معصوم^(ع) صدق می‌کند؛ همان کسانی که امام علی^(ع) درباره ویژگی‌های آنان می‌فرماید: «نگهبانان دین خدا هم‌آنانند که دین را بر پا داشتند و آن را یاری کردند و از همه سو آن را در میان گرفتند و آن را برای بندگان خدا نگه داشتند و آن را پاس داشتند و به کار بستند (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ح ۳۹۱۲). ائمه هدی^(ع) از تمام هستی خود برای یاری دین خداوند گذشتند و در این مسیر، تمام هستی خود را فدا نمودند و این، معنای یاری کردن دین خداست.

۲-۵-۴) الدُّعَاءُ إِلَى اللَّهِ

دعا به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۴۴). در این فراز، نقش تبلیغی امامان معصوم^(ع) مشخص می‌شود. آنان کسانی هستند که همگان را به سوی خداوند دعوت می‌کنند؛ همان کاری که تمام انبیا انجام دادند. خداوند پیامبر اکرم^(ص) را به عنوان داعی به سوی خداوند معرفی می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ (الأحزاب / ۴۵-۴۶). همان گونه که وظیفه و نقش پیامبر^(ص) دعوت به سوی خدا بود، این وظیفه برای جانشینان آن حضرت که امامان معصوم^(ع) هستند نیز صدق می‌کند. در روایات شیعه، در تفسیر آیه ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف / ۱۰۸)، مراد از «مَنِ اتَّبَعَنِي»، پیامبر خدا^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) و اوصیای پس از ایشان است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۴۲۵).

۲-۵-۵) الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ

یکی از ویژگی‌های اهل بیت^(ع)، گستراندن اوامر الهی در جامعه و پرهیز دادن مردم از انجام دادن نواهی الهی است که این وظیفه را به دو صورت انجام می‌دهند:

۱- اظهار با گفتار

امامان معصوم^(ع) با سخنرانی‌های عمومی و نیز کلاس‌های خصوصی و نیز مکاتبات و پاسخگویی به پرسش‌های مردم، اوامر الهی را به مردم می‌رساندند و آنان را از آنچه نهی شده‌است، آگاه می‌کردند.

۲- اظهار با کردار

امامان^(ع) تمام اوامر مستحبی خدا را هم به جای می‌آوردند و از تمام آنچه خداوند ناپسند می‌شمارد، هرچند حرام نباشد، پرهیز می‌کردند (ر.ک؛ ری شهری، ۱۳۹۰: ۲۶۳-۲۶۴).

در ادامه زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَأَمْرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ: و امر به معروف و نهی از منکر کردید». امامان^(ع) زندگیشان را صرف امر به معروف و نهی از منکر در راه خداوند کردند. در تفسیر آیه ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران/۱۱۰)، عبارت ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ﴾، به اهل بیت^(ع) تفسیر شده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۴: ۱۵۳). در همین باب، امام حسین^(ع) هدف از قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر می داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴: ۸۹). نکته مهم اینکه امامان معصوم^(ع) به بهترین شکل ممکن این کار را انجام می دادند که نهایت تأثیر را بر مخاطبان می گذاشت.

۲-۶-۵) نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْإِعْلَانِيَةِ

نصح به معنای انجام کاری یا بیان قولی است که صلاح طرف مقابل در آن باشد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۵۹). تمام انبیاء و اولیاء ناصح انسان‌ها بودند و هدف آنان، کمال و سعادت بشر بود. این خیرخواهی انبیاء^(ع) در قرآن بیان شده است: ﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِنْ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾ (الأعراف/۷۹). بی شک اهل بیت^(ع) نمونه بارز خیرخواهان امت بوده‌اند. آنان از تمام زمینه‌ها استفاده می کردند تا همگان را به صراط مستقیم هدایت کنند. امام علی^(ع) درباره این وظیفه امامان معصوم^(ع) می فرماید: «چیزی بر امام نیست، جز وظیفه‌ای که پروردگارش بر عهده‌اش نهاده است: رساندن اندرز، کوشش در خیرخواهی، زنده کردن سنت، اجرای حدود الهی بر آنان که سزاوار آنند، و رساندن سهام به کسانی که از آن سهم می‌برند» (نهج البلاغه/خ ۱۰۵).

۲-۷-۵) بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ

امامان^(ع) همه هستی خود را در راه خداوند فدا کردند، از هیچ امری در طریق الهی کوتاهی نکردند، عزیزترین و بهترین‌های خود را در راه خدا قربانی کردند و فرزند، مال، جان و... همه در راه خدا فدا کردند. شهادت همه امامان^(ع)، به‌ویژه امام حسین^(ع) نمونه بارزی در این زمینه

است. در زیارت اربعین امام حسین^(ع) که از امام صادق^(ع) نقل شده، فلسفه شهادت حضرت سیدالشهداء چنین بیان شده است: «وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ قَدْ عِبَادَتُكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ: وَ خَوِشَ رَا دِر رَاه تُو دَاد، تَا بِنْد گَانَت رَا اَز جِهَالَت، حیرت و گمراهی برهاند» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۱۱۳). همه امامان^(ع) جان خویش را در راه رضای خدا قربانی کردند؛ هر یک به نحوی، چنانکه امام حسن^(ع) می فرماید: «مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ: هِیْجَ یَکَ اَز مَا نِیْسَت، مَکَرِ اَنکَه کَشْتَه می شود یا مسموم» (حلی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). امام حسین^(ع) در آخرین لحظات در واقعه عاشورا، در اوج مصیبت می فرماید: «خداوندا! راضی به قضای تو هستم و در برابر فرمان تو تسلیم و هیچ معبودی جز تو ندارم» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۵ق.، ج ۷: ۲۴۸).

۲-۵-۸) أَقِمُّمُ الصَّلَاةَ

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های سبک زندگی متقین را اقامه نماز معرفی می کند: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (البقره/۳-۲). ائمه هدی^(ع) نمونه بارز متقین هستند که نماز را پیاپی داشتند و همگان را تشویق به این امر عبادی می کردند. پیامبر اکرم^(ص) در این زمینه به اسامه می فرماید: «پیوسته نماز بخوان که آن، برترین کار بندگان است. چون نماز سر دین و ستون و تارک آن است» (نبی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۲).

۲-۵-۹) آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ

از اولین وظایف حکومت صالحان، رسیدگی به فقرا در سایه پرداخت زکات است: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾ (الحج/۴۱). پیامبر اکرم^(ص) سوگند یاد کرد که کسی جز مشرک درباره پرداخت زکات خیانت نمی کند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۶: ۲۹). در جای دیگر نیز خطاب به امیرالمؤمنین^(ع) می فرماید: «یا علی! ده گروه از امت من کافر می شوند که یکی از گروه‌ها کسانی هستند که زکات نمی پردازند (همان: ۳۰). امام

صادق^(ع) نیز می‌فرماید: «کسی که ذره‌ای از زکات را نهد یا یهودی یا نصرانی می‌میرد» (همان: ۱۵). آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائده/۵۵) نمونه بارزی از پرداخت زکات در حالت رکوع اولین جانشین پیامبر اکرم^(ص)، امام علی^(ع) می‌باشد.

۲-۵-۱۰) وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

«جهاد» به معنای طاقت و سختی است و به فتح جیم، به معنای مشقت و ضم آن به معنای تلاش فراوان است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). در هر دو معنا، اهل بیت^(ع) در راه خداوند متعال سختی‌های بسیاری را متحمل شدند و در تبلیغ دین و احیای آن تلاش‌های فراوانی انجام دادند. قرآن کریم در وصف جهادگران الهی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (العنکبوت/۶۹)؛ ﴿لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَتِكُمْ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (التوبه/۸۸). مصداق اصلی این جهاد، اهل بیت^(ع) هستند. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند» (حویزی، بی تا، ج ۴: ۷۰). ائمه هدی^(ع) با تمام وجود خود در راه خدا جهاد کردند.

۲-۵-۱۱) بَيِّتُمْ فَرَائِضَهُ

«بان» به معنای آشکار شد، ظاهر شد و واضح و آشکار شدن چیزی را بیان می‌گویند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴). پیامبر اکرم^(ص)، اولین معلم و مفسر قرآن، وظیفه تبیین آیات قرآن و فرائض دینی را بر عهده داشت. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل/۴۴)؛ ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (النحل/۶۴). پس از پیامبر اکرم^(ص)، ائمه^(ع) به عنوان جانشینان آن حضرت این وظیفه را بر عهده داشتند و آن را به درستی انجام

دادند. امام علی^(ع) می‌فرماید: «به خدا قسم! من امام بیان‌کننده هستم. حق را از باطل بیان می‌کنم و روشن می‌سازم و این کار را از پیامبر خدا^(ص) به ارث برده‌ام» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۵: ۴۲۷). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «زمین هرگز بی‌وجود امامی از ناحیه خدا نخواهد ماند که حلال و حرام را بازگوید و مردم را به راه خدا فراخواند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ح ۲). بنابراین، جایگاه امامان در تشریح و تبیین احکام و فرایض الهی از این فراز برای حفظ دین مشخص می‌شود.

۲-۵-۱۲) اَقَمْتُمْ حُدُودَهُ

این عبارت به معنی «ایستاد»، و «قیام» به معنای «عزم و اراده بر انجام کار» است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶۴۱). «حد» به معنای «جدا کردن دو چیز از یکدیگر است، به گونه‌ای که با هم مخلوط نشوند» (همان: ۱۷۵). اقامه حدود و بر پا داشتن آن و تعدی نکردن از حدود الهی در قرآن کریم تأکید شده است (ر.ک؛ البقره/۱۸۷؛ البقره/۲۲۹؛ النساء/۱۳ و المجادله/۴). خداوند در وصف مؤمنان واقعی و حافظان حدود الهی می‌فرماید: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (التوبه/۱۱۲). از وظایف مهم امامان معصوم^(ع)، اجرای حدود الهی است. اگر حدود الهی در جامعه اجرایی نشود، خاصیت خود را از دست خواهد داد و ارزش و جایگاهی در جامعه نخواهد داشت. این مهم بر عهده امام^(ع) در هر دوره است که ضامن اجرای حدود الهی باشد. امام صادق^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «اقامه حدود و اجرای مجازات و کیفر، به عهده حاکم اسلامی منصوب از سوی خداوند است که آنان، امامان معصوم^(ع) از خاندان پیامبرند و نیز بار این مسئولیت بر دوش حکمرانانی است که از سوی امامان^(ع) خود، در صورت امکان، مسئولیت این مهم را به فقهای شیعه واگذار نمودند (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸: ۳۳۸).

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه بیان شد، مهم‌ترین رهیافت‌ها و نتایج مقاله عبارتند از:

- ۱- سند زیارت جامعه کبیره از هر حیث محکم و مستند به امام هادی^(ع) است. این زیارت در کتب معتبر شیعه و اهل تسنن نقل شده است و رجال شناسان برجسته، توثیق راوی این زیارت را تأیید کرده اند. به لحاظ فقه الحدیثی، در معنای نقد متن احادیث، این زیارت نه تنها معارض با قطعیات و ضروریات دینی نیست، بلکه آیات و روایات قطعی الصدور آن را تأیید می نمایند.
- ۲- ائمه هدی^(ع) جلوه گاه اسماء و صفات پروردگار هستند، به گونه ای که آن بزرگواران مثل اعلی، نام های نیکوی خدا، خلیفه خداوند در زمین می باشند و به واسطه وجود اینان خداوند عالم آفرینش را ایجاد کرد و بقای آن نیز منوط به وجود ایشان است.
- ۳- امامان معصوم^(ع) قرآن ناطق و تالی آن هستند. تفسیر و تأویل واقعی قرآن جز از طریق ائمه هدی^(ع) شناخته نمی شود و این بزرگواران، راسخان در علم خداوند و دانا به تمام کتب آسمانی هستند.
- ۴- ائمه هدی^(ع) به دلیل کمال و ظرفیت والایی که داشتند، شایستگی پذیرش کمالات و فضایل والا را از جانب خداوند دارا شدند و خداوند کمالات و فضایی را به اینان موهبت فرمود.
- ۵- در زیارت جامعه کبیره، ائمه^(ع) وارثان تمام انبیاء به طور عام و وارثان خاتم انبیاء به طور خاص معرفی شده اند.
- ۶- جایگاه امامان^(ع) در نظام آفرینش به گونه ای است که خلق نظام آفرینش و بقای آن به واسطه این بزرگواران می باشد و خداوند به واسطه اینان برکات آسمانی را نازل می کند و بلا و عذاب را از اهل زمین دفع می کند.
- ۷- مهم ترین نقش امامان^(ع) در زیارت جامعه کبیره به آن اشاره شده، جایگاه ایشان در حفظ دین است. تعبیرهایی چون «أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ»، «أَبْوَابَ الْإِيمَانِ»، «أَنْصَارًا لِدِينِهِ»، «الدُّعَاةَ إِلَى اللَّهِ»، «الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَتَنْهِيَهُ»، «نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ»، «بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ»، «أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ»، «آتَيْتُمْ الزَّكَاةَ»، «وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»، «بَيَّيْتُمْ فَرَائِضَهُ» و «أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ» حاکی از اهمیت وجود امامان معصوم^(ع) در حفظ و پایداری دین و نیز بسط و گسترش آن است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- «نقد الحدیث» در اصطلاح، بررسی صحت و سقم حدیث و یا صدور و عدم صدور آن از معصوم^(ع) است. این صحت و سقم، گاه راجع به سند است و گاه به متن برمی‌گردد؛ بدین معنا که گاهی صحت و سقم به سند روایت بازمی‌گردد که آیا اساساً این روایت از معصوم صادر شده یا نه! راویان حدیث چگونه‌اند؟ کیفیت سند چگونه است؟ متصل است یا منقطع، و امثال آن. گاهی صحت و سقم به متن روایت برمی‌گردد. از این رو، نقد الحدیث را به نقد سند و نقد متن یا نقد داخلی و خارجی تصمیم نموده‌اند (ر.ک؛ سلیمانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

۲- نکته قابل توجه اینکه ذکر این زیارت در یکی از کتب معتبر یا نقل آن از سوی علما، دلالت بر صحت و اعتبار آن نمی‌کند، بلکه در اینجا، ما در پی تذکر این مهم هستیم که اشتها و اعتبار این زیارت همگانی است و اعتبار سندی و متنی آن از سوی اکثر علما اذعان شده است.

۳- از بین راویان این زیارت، بیشتر وثاقت موسی بن عمران نخعی به عنوان راوی اصلی بررسی شده است، به علت اینکه برخی با توجه به اینکه راوی این زیارت، موسی بن عمران نخعی است، زیارت جامعه کبیره را تضعیف و بی‌اعتبار دانسته‌اند (ر.ک؛ محمد سند، ۱۴۲۸ق: ۸). این در حالی است که وثاقت وی در جای خود اثبات شده است (ر.ک؛ سند، ۱۳۸۶: ۹۲-۱۱۶).

۴- فقه الحدیث، علمی از علوم حدیث است که با محتوا و متن و به تعبیری، با الفاظ و هیأت ترکیبی حدیث از یک سو و با معانی و مقاصد متن از سوی دیگر سر و کار دارد. از این نظر، می‌توان آن را شاخه‌ای از «درایة الحدیث» به معنای نخستین آن به شمار آورد (ر.ک؛ سلیمانی، ۱۳۸۵: ۳۵).

۵- پیامبر اکرم^(ص) در این زمینه، خطاب به امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «یا علی! ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری: ای علی! خداوند متعال

را نشناخت به حقیقت شناختش، جز من و تو، و تو را نشناخت، آن گونه که حقّ شناخت توست، جز خدا و من» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۶۸).

۶- تفسیر اهل بیت^(ع) از قرآن شامل تمام معارف تنزیل و تأویل و ظاهر و باطن قرآن می شود، با تزلزل و تردید همراه نیست و با وهم و خطا، هوی و هوس مشوب نمی باشد. این نوع تلقی از تفسیر اهل بیت^(ع) از مصادر و مدارک فریقین اثبات شدنی است. این دیدگاه مستند به ادله قرآنی و روایی می باشد (ر.ک؛ نجارزادگان، ۱۳۸۷: ۶۸۵۱ و نیز ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳۳-۲۵۱).

۷- حدیث متواتر به حدیثی می گویند که گزارشگرانش آن قدر زیاد باشند که به طور عادی تبانی آن ها بر کذب، محال باشد و این ویژگی در همه طبقات استمرار یابد (ر.ک؛ نفیسی، ۱۳۹۰: ۷۱).

۸- کتب صحاح اهل سنت، حکم به وجوب تمسک به تقلید را متواتر می دانند. طرق این حدیث قریب بیست و چند نفر است (ر.ک؛ غروی نائینی، ۱۳۸۶: ۳۰).

۹- حدیث سلسله الذهب حدیث قدسی با این مضمون می باشد: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» که امام رضا^(ع) در نیشابور، هنگامی که در هودج نشستند و برای رفتن به مرو آماده شدند، آن را به درخواست جمع بسیاری از مردم نقل کرده اند که پس از نقل این حدیث، امام رضا^(ع) می فرماید: «قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». این حدیث را با توجه به سلسله درخشان و طلایی آن که امام رضا^(ع) از پدرانش^(ع)، از پیامبر اکرم^(ص)، از جبرئیل^(ع) و از خداوند متعال نقل کرده اند، به این نام خوانده اند (ر.ک؛ نفیسی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبن علی. (۱۴۰۵ق.). *اکمال‌الدین و اتمام‌النعمه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

_____ . (۱۴۰۴ق.). الف. *عیون أخبار الرضا*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

_____ . (بی تا). *التوحید*. بیروت: دارالمعرفة.

_____ . (۱۳۳۸ق.). *معانی الأخبار*. قم: انتشارات اسلامی.

_____ . (۱۳۷۶ق.). *من لایحضره الفقیه*. تهران: مطبعة الآفتاب.

_____ . (۱۴۰۴ق.). ب. *الأمالی*. تهران: کتابخانه اسلامی.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۷ق.). *مسند*. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن شهر آشوب، محمدبن علی. (۱۳۷۶). *مناقب آل أبی طالب^(ع)*. نجف اشرف: المكتبة الحیدریة.

ابن فارس، احمد. (۱۴۱۸ق.). *معجم المقاییس فی اللغة*. بیروت: دارالفکر.

ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۲ق.). *لسان العرب*. قم: داراحیاء التراث العربی.

اسلامی جهرمی، محمود. (۱۳۸۳). *مصایح الدجی*. ج ۲. قم: دارالتفسیر.

بحرانی، سیدهاشم. (۱۹۸۳م.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. بیروت: مؤسسة الوفاء.

ترمذی، محمدبن عیسی. (بی تا). *سنن ترمذی*. تحقیق احمد شاکر. بیروت: بی نا.

تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۸). *غرر الحکم و دُرر الکلم*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *همتایی قرآن و اهل بیت*. قم: انتشارات اسراء.

_____ . (۱۳۸۴). «قرآن در نهج البلاغه». «پژوهش‌های دینی». س ۱. ش ۲.

ص ۱۰۷.

حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله. (۱۴۱۱ق.). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالمعرفة.

- حائری، محمد مهدی. (۱۳۸۶). *شجره طوبی*. قم: انتشارات مکتبه الحیدریه.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق.). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: المکتبه الإسلامیه.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق.). *شواهد التنزیل*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلی، علی بن محمد. (۱۳۸۷). *کفایة الأثر*. تهران: مؤسسه نورالأنوار.
- حموینی، ابراهیم. (۱۴۲۸ق.). *فوائد السمطين*. قم: دارالحییب.
- حویزی، عبدعلی. (بی تا). *تفسیر نورالثقلین*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۹ق.). *معجم رجال الحدیث*. قم: مدینه العلم.
- _____ . (بی تا). *کتاب الطهارة*. قم: انتشارات دارالهادی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). *مفردات الفاظ قرآن کریم*. ترجمه حسین خداپرست. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- زمردیان، احمد. (۱۳۶۶). *مقام ولایت در شرح زیارت جامعه کبیره*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سبزواری، هادی. (بی تا). *شرح الاسماء الحسنی*. قم: بصیرتی.
- سجادی، سید احمد. (۱۳۸۵). *پرچم داران سعادت (تدبری در زیارت جامعه کبیره)*. تهران: بنیاد قرآن و عترت.
- سلیمانی، داود. (۱۳۸۵). *فقه الحدیث و نقد الحدیث*. تهران: فرهنگ و دانش.
- سند، محمد. (۱۳۸۶). «بررسی سندی زیارت جامعه کبیره». *سفینه*. ترجمه مهناز فرحمند. ش ۱۵. صص ۹۲-۱۱۶.
- _____ . (۱۴۲۸ق.). *فی رحاب الزیارة الجامعة الکبیره*. به کوشش سید علی جلال شرخات. قم: باقیات.
- شبر، سید عبدالله. (بی تا). *الأنوار الالامعة فی شرح زیارة الجامعة*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

شريف الرضى، محمد بن حسين. (١٣٨٥). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. ج ٢٩. قم: انتشارات الهادی.

صفار، محمد بن حسن. (١٤٢٥ق.). *بصائر الدرجات*. بيروت: مؤسسة النعمان للطباعة والنشر. طباطبائی، سید محمد حسین. (١٤١٧ق.). *الميزان فى تفسير القرآن*. ج ٥. قم: انتشارات جامعه اسلامی حوزه علمیه.

طبرسى، فضل بن حسن. (١٤١٥ق.). *مجمع البيان فى تفسير القرآن*. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسى، احمد بن على. (١٤٢١ق.). *الإحتجاج*. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طريحي، فخر الدين. (١٤١٦ق.). *مجمع البحرين*. تهران: مؤسسة بعثت.

طوسى، محمد بن حسن. (١٣٦٤). *تهذيب الأحكام*. تهران: دارالكتب الإسلامية.

_____ . (١٤١٧ق.). *كتاب الغيبة*. تحقيق عبداللّه طهرانى و على احمد ناصح.

قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

_____ . (١٤١١ق.). *مصباح المتجهّد*. بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.

غروى نائینی، نهله. (١٣٨٦). *تاریخ حدیث شیعه*. قم: انتشارات شیعه شناسی.

فراهیدى، خليل بن احمد. (١٤١٠ق.). *العین*. بيروت: دارالهجرة.

قرشى، سيد على اكبر. (١٣٨٧). *قاموس قرآن*. تهران: دارالكتب الإسلامية.

قمى، عباس. (١٣٩٢). *مفاتيح الجنان*. قم: دفتر نشر معارف.

قندورزى حنفى، سليمان بن ابراهيم. (١٣٨٥ق.). *ينابيع المودة لذوى القربى*. قم: دارالكتب

العراقية.

كلينى، محمد بن يعقوب. (١٣٨٨ق.). *اصول كافي*. تهران: دارالكتب الإسلامية.

مامقانى، عبداللّه. (١٤٢٣ق.). *تنقيح المقال*. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

مجلسى، محمد باقر. (١٣٦٢). *بحار الأنوار*. تهران: انتشارات دارالكتب الإسلامية.

مجلسى، محمد تقى. (١٣٥٣). *روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه*. قم: بنياد فرهنگ

اسلامى.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). *شرح زیارت جامعه کبیره*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

_____ . (۱۳۷۵). *میزان الحکمة*. ج ۱. قم: انتشارات دارالحديث.

_____ . (۱۴۲۵ق.). *موسوعة الإمام علی بن أبی طالب فی الكتاب والسنة*. قم:

دارالحديث.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۱). *پرتو ولایت*. تدوین مجتبی خطاط. قم: انتشارات تمهید.

مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق.). *الإرشاد*. قم: آل البيت^(ع).

_____ . (۱۴۱۴ق.). *الإختصاص*. بیروت: دارالمفید.

نبی نژاد، محمدباقر. (۱۳۸۹). *آثار عجیب نماز*. ج ۱۰. قم: انتشارات زائر.

نجاززادگان، فتح الله. (۱۳۸۷). *وهیافتی به مکاتب تفسیری*. قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.

نجاشی، احمدبن علی. (۱۴۱۱ق.). *فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)*. تحقیق موسی

شبستری زنجانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

نجفی استرآبادی، سیدشرف الدین. (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآیات الظاهرة*. قم: انتشارات جامعه

مدرسین.

نقیسی، شادی. (۱۳۹۰). *درایة الحدیث*. ج ۴. تهران: سمت.

نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۴۰۷ق.). *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل

البيت^(ع) لإحياء التراث.

